

ترامپ یک ناهنجاری تاریخی



گزینش و نگارش: فرید سیاوش

دونالد ترامپ قبل از ورود به عالم سیاست، انرژی اش را در حوزه ورزش گشتی کچ سرزیر کرده بود؛ بین سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۳، او مسابقات گشتی را برگزار و در کنار رینگ مبارزه، حضور شور انگیز میداشت. مسابقات گشتی کچ در روی صحنه و ظاهر کاملن رقابتی و هیجان آفرین، اما در پشت پرده بر اساس یک سناریوی از پیش نوشته شده برگزار می‌شوند. حریفان تاکتیک‌ها، حرکات و چال‌ها را از قبل باهم هماهنگ کرده، نتایج مسابقات، مصاحبه‌های پیش و پس از مسابقه، همگی نمایشی و برای واقعی جلوه دادن است. و اما در عرصه سیاست هم ترامپ با یک سناریوی از قبل آماده وارد رینگ سیاست شده است.

جمعی بر این باورند که ترامپ چهل و پنجمین رئیس جمهور ایالات متحده امریکا در طول عمرش صفت‌هایی را به نمایش گذاشته است که از رئیس‌جمهوری آمریکا انتظار نمی‌رود؛ برون‌گرایی بسیار بالا که با توافق‌پذیری بسیار پایین ترکیب شده است. رفتار ناسازگارانه و خشمگینانه، حيله گر، غیر قابل اعتماد، بدبین، فردی معامله گر، خود شیفته، خصومت گرا افراطی که آداب دیپلماتیک را مراعات نمی‌کند و... چنین ترکیبی از دو عامل شخصیتی، پیش‌بینی‌کننده رفتارهای ناسازگارانه و خشمگینانه است. ترامپ به‌دلیل برون‌گرایی بسیار بالایش، ابایی ندارد که به دوربین‌ها و چشمان نگران خبرنگاران خیره شود و بگوید که از فلان توافق بین‌المللی خارج می‌شود. همان‌طور که ترسی ندارد که آداب دیپلماتیک را رعایت نکند و در میانه یک نشست خبری با خبرنگار سی‌ان‌ان مجادله لفظی داشته باشد. فردیست که هنر معامله‌گری را خوب میداند و معامله گر زرنگ است.

در بالا گفتیم ترامپ با سناریوی از جنس دیگر وارد رینگ سیاست شده است که در گذشته کسی در امریکا تجربه نکرده بود؛ الزاماً باید بدانیم که این ۴۵ مین رئیس جمهور امریکا چه اندیشه و فکری در دل و دماغ دارد و بکدامین سو در حرکت است.

رئیس جمهور بحث بر انگیز برخلاف تصور بسیاری‌ها؛ اندیشه، فکر، ذکر و دستور کار بسیار روشن دارد؛ اگر بر اریکه قدرت و زنده بماند ما شاهد تغییرات بسیار حیرت انگیز و عدالت محور خواهیم بود.



به گفته سیلوین لافارست نویسنده، ژورنالیست، تحلیلگر و کارگردان، ترامپ با شخصیت ترکیبی خویش دارای چنان استراتژی پیچیده، نچندان روشن و ظریف است که به سختی کسانی آنرا می بینند. برای پیاده کردن و رسیدن به طرح ها و هدف های بزرگ و بلند پروازانه اش مجبور است بجای مسیر های مستقیم و کوتاه، گاهی مسیر های قوسی، پیچیده و نا هموار را انتخاب کند و آنگاهست که درک او مشکلتر میشود. بخصوص برای ژورنالیستانی که عمدتاً به پخش اخبار جعلی سر و کار داشته و خطی فکر میکنند همچنان برای عوام الناس.

ترامپ نظم نو را در بی نظمی و تابو شکنی می کارد. لافارست سیاست های نامنظم ترامپ را با دارویی مقایسه میکند که دقیقاً برای عوارض جانبی استفاده میشود و برای هر تصمیم بیانیه، توپیترو و حرکتی به نمایش می گذارد و همه را حیرت زده میسازد. این خصلت فقط مشخصه ترامپ است و در گذشته هیچ رئیس جمهور ایالات متحده امریکا چنین نبوده است.

ترامپ اولین و تنها رئیس جمهور امریکا است که تاکنون به بزرگترین و بدترین ضعف جمعی بشریت پرداخته و این ضعف **ناآگاهی از واقعیت** است. ترامپ معتقد است از آنجا که رسانه ها و سیستم آموزش و پرورش هر دو توسط تعداد اندکی از میلیاردرها که این کره خاکی را اداره می کنند کنترل می شود، همه آنچه در مورد تاریخ می دانیم توسط همین غول های سرمایه مالی پیچیده شده است و ما هیچ سرخی از دنیای فعلی خود نداریم. ترامپ خیلی سریع اصطلاح "اخبار جعلی" را به کار برد و بسیاری را متقاعد کرده است که غول های رسانه ی (به ویژه در غرب) همیشه دروغ می گویند. "آیا می فهمید که چقدر تکان دهنده است که تقریباً همه چیزهایی که فکر می کنید کاملاً جعلی هستند؟"

ترامپ با صدای بلند داد میزند رسانه ها نه تنها در مورد تاریخ و سیاست دروغ می گویند، بلکه در مورد اقتصاد، غذا، آب و هوا، انرژی، بهداشت، مهاجرت - در مورد همه چیز کاملاً تصویر نادرست ترسیم کرده اند. مثالهای تاریخی ارابه می دهد که اکنون ثابت و تأیید شده است، از جمله اینکه قاتلان واقعی جان اف کندی مدت زیادی است که شناخته شده اند ولی تا حال افشا نشده اند، اینکه آمریکایی ها ۱۰ روز قبل از حمله ژاپن به پرل هاربر همه چیز را در مورد این موضوع می دانند و به عمد اجازه می دهند که این اتفاق بیفتد، که حقه بازی گرمایش زمین CO2 از نظر علمی پوچ است و از نظر علمی صد در صد ثابت شده است که **یازده سپتامبر عملیاتی با پرچم کاذب** است.

لافارست سیاست های نامنظم ترامپ را با دارویی مقایسه می کند که دقیقاً برای عوارض جانبی استفاده می کند و برای هر تصمیم، بیانیه و حرکتی اعمال می شود. "و همین که این را فهمید، می بینید که او چه رئیس جمهور خارق العاده ای است و هیچ کس دیگر به او شباهت ندارد."

پس از 44 رئیس جمهور قبلی، ترامپ اولین کسی است که درک می کند آزادی واقعی تنها زمانی امکان پذیر است که بشریت از این **جهالت و ناآگاهی** غیر قابل تصور خلاص شود. به همین دلیل او خواستار تماس با رسانه های اصلی و روزنامه نگاران راستگو و حقیقت پرداز است که دروغگویی را آسیب شناسی میکنند. در صف مقابل رسانه های انحصاری، شایعه پراکن و دروغ پرداز ترامپ را "دیوانه"، "منحرف"، "احمق" و "خطرناک" می خوانند. آنها او را بعنوان بزرگترین تهدید ممکن برای جهان می دانند.

ترامپ از زمان اولین روز حضور در کاخ سفید، هر روزه به عنوان یک خودشیفته، نژادپرست، تبعیضگرای جنسی، منکر گرمایش زمین و گذشته ای سایه دار به تصویر کشیده می شود. در حالی که اکثریت مردم،



دیگر به رسانه های جریان اصلی (غول های رسانه ی) اعتماد ندارند ، این رسانه ها همواره این تصور را دامن می زنند که ترامپ با دیوانگی هایش برای ریاست جمهوری شایسته نیست.

دونالد ترامپ برای تغییر این تصویر از خود کار خاصی انجام نمی دهد. برعکس، از طریق تویتر ، عصبانیت خود را آزاد میکند. او تحریکات و توهین ها را پخش می کند، به نظر می رسد رفتار احمقانه و عجولانه داشته و میل به اقدام پیش از فکر کردن ندارد، تصمیمات غیر منطقی می گیرد ، روزانه دروغ می گوید.

لافارست به این نتیجه رسیده است که "تصویری که ترامپ از خود ارایه می دهد ، خود تخریبی است، که دقیقاً برعکس آنچه خودشیفتگان آسیب شناسی انجام می دهند؛ زیرا آنها مشتاقانه می خواهند توسط همه دوست داشته شوند و مورد تحسین قرار گیرند. اما برای ترامپ مهم نیست که شما او را دوست دارید یا نه؛ این باعث می شود او نهایت ضد خودشیفتگی باشد. "

ترامپ برنامه جالب و جامعی دارد که بر محور بازگشتاندن قدرت به مردم یعنی صاحبان اصلی آن می چرخد. او خوب میداند که ایالات متحده، مانند اروپا، در یک شبکه سرمایداری جهانی گرفتار شده است که بیش از یک قرن تحت کنترل گروه کوچکی از بانکداران جهانی، صنعتگران نظامی چند ملیتی و سرمایه مالی قرار دارد. ترامپ برنامه دارد به تمام جنگ های خارجی و عملیات نظامی پایان دهد، نیروهای خود را به خانه فراخواند، **ناٹو و سی آی ای (CIA & NATO)** را متلاشی کند ، کنترل فدرال رزرو (خصوصی) را به دست بگیرد، سیستم پرداخت بین المللی سوئیفت(۱) (Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication)، قدرت تبلیغی رسانه ها را خاتمه دهد. "باتلاق" دولت در سایه و تمام سازمانهای فراملی آن را تخریب و تخلیه کنید.

او مصمم است نظم نوین جهانی و ایدئولوژی (مربوط به آن نیولیبرالیسم و گلوبالیسم) را از بین ببرد. این وظیفه اولی ولی بسیار بزرگ و خطرناک است.

لافارست باور دارد که ترامپ خوشبختانه در این راه تنها نیست او به روسیه و پوتین به عنوان يك متحد بزرگ علیه این نظم نوین جهانی اشاره کرده می افزاید: در گذشته، روس ها یکبار به آمریکایی ها برای رسیدن به استقلال از امپراتوری انگلیس کمک کردند همچنان روس ها ناپلیون و نازی ها را شکست دادند. پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، دنیای غربی تقریباً موفق به نابودی و تسلیم روسیه شدند، اما با درایت ورود ولادیمیر پوتین، مسکو و روسیه از فروپاشی و فساد و نابودی نجات یافته در مسیر پیشرفت و ترقی چشمگیر قرار داده شد. از آن زمان به بعد، هر کاری که پوتین انجام می دهد برای از بین بردن امپراتوری می باشد که آمریکا زیر پرژه نظم نوین جهانی براه انداخته است.

پوتین تا زمان ورود ترامپ در مبارزه برای جلوگیری از کنترل کامل نظم نوین جهانی بر همه منابع انرژی (نفت در خط مقدم) تنها بود. بنابراین اولین کاری که رییس جمهور روسیه انجام داد، مدرن سازی ارتش و تجهیز آن به سلاح های پیشرفته استراتژیک و هایپرسونیک بود که به این کشور توان آنرا میدهد که نه تنها از خود بلکه از تولیدکنندگان مستقل نفت مانند سوریه، ونزوئلا و ایران در برابر تجاوزات ناتو محافظت کند.



این تحلیلگر باور دارد: "از آنجا که یک دولت سایه مستقیماً از طرف بانکها به سیا و ناتو دستور می دهد ، ترامپ هیچ کنترلی بر ارتش ندارد." "دولت پنهان یا در سایه" شبکه ای از مقامات دایمی است که واشنگتن و پنتاگون را کنترل می کنند و فقط از دستورات آنها اطاعت می کنند.

از جنگ اسپانیا و آمریکا ، جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم ، تا ویتنام ، عراق ، ۱۱ سپتامبر و افغانستان ، سازمان ناتو برای دستیابی به اهداف خود از عملیات پرچم دروغ استفاده می کرد. آنها با نقابی جعلی زیر نام "دفاع از دموکراسی ، آزادی و انسانیت" وارد میدان میشدند.

ترامپ اولین رئیس جمهور است که با یک جمله تمام اخبار جعلی یک قرنه را نابود کرد و صریحاً تصدیق می کند که مداخلات نظامی در خاورمیانه فقط برای **سرفت نفت** است و نه "آزاد سازی" آن کشورها و **تحقق دموکراسی**.

ترامپ از جمله چهار روسای جمهور امریکا و چهارمین آن در تاریخ ایالات متحده است که واقعاً در کنار مردم ایستاده است. برخلاف ۴۱ تن روسای دیگر که عمدتاً پول مردم را می گرفتند و در جیب بانک های خصوصی می گذاشتند.

سه رئیس جمهور دیگر هم تلاش کردند در کنار مردم بایستند؛ اولی **اندرو جکسون** بود که به دلیل انحلال بانک ملی به قتل رسید. دومی **آبراهام لینکلن**، که به دلیل امتناع از گرفتن وام از روچیلدها با سود ۲۴ فیصد و اقدام به چاپ پول خود به قتل رسید. سومی **جان اف کندی** که عمدتاً به این دلیل که او نیز می خواست به قدرت بانک ها و مجتمع نظامی - صنعتی پایان دهد، به قتل رسید.

ترامپ با درس گرفتن از گذشته و روسای جمهوری که بخاطر طرح های شان سرهای شان را برباد دادند مجبور شد برای زنده و بقدرت ماندن روش دیگری برای از بین بردن خطرناکترین آدمهای این کره خاکی پیشه کند. در رسیدن به اهدافش، او چندین تکنیک و تاکتیک خاص را برای القای مفاهیم موردنظرش به کار می گیرد. او برای کارگیری از نبوغ خود استراتژی و رویکرد خود را کاملاً تغییر داد و شروع به تصمیم گیری های پوچ و توییت کردن بیانیه های ظالمانه کرد. او اهمیتی نمی دهد که مردم درباره او چه فکر می کنند، زیرا در پایان فقط نتیجه برایش مهم است. او تلاش دارد تا مردم را به شک و فکر کردن بکشاند. او حتی در توییتها ماهرانه وانمود کرد که ساده لوح و دیوانه، یا فقط یک شخص ساده و احمق است، ترامپ میخواهد این تصور را در اذهان حاکم سازد که نمی داند چه کاری انجام می دهد، و به همین دلیل خطرناک نیست

اولین آزمایش این رویکرد جدید جلوگیری از حمله ناتو به کره شمالی بود. در ابتدا ، ترامپ تا مغز استخوان به کیم جونگ-اون توهین کرد ، او را "مرد موشکی" خواند و او را تهدید به سلاح هسته ای کرد، تا اینکه به همه فهماند که بالاخره جنگ با این کشور ایده چندان خوبی نیست، اگر بزنیم شاید بخوریم و مرده جمع کنیم. ترامپ سپس به دیدار کیم رفت، با او در پارک قدم زد، جایی که هر دو رهبر خندیدند و با یکدیگر دوست شدند. ترامپ با این کار شیوه ناتو را کاملاً فلج کرد.

در مورد ونزوئلا نیز رویکرد عجیب ترامپ جواب داد. وی تهدید کرد که آنکشور را هموار خواهد کرد ، در حالی که همزمان از گوییدو رهبر مخالفین رژیم حاکم حمایت می کند، باظرافت کاری دنیای طرفدار گوییدو و دیپلماسی نا کار آمد آنها را شرمنده ساخت. در نتیجه برازیل و کلمبیا اظهار داشتند که نمی خواهند در

حمله به ونزویلا شرکت کنند. کار شیوه ترامپ کارا از آب برآمد و توانست از جنگی که برای اشغال و تاراج ونزویلا طراحی شده بود جلوگیری کرده و از یک بحران دیگر سالم عبور کند.

آیا میشود باور کرد که انفجار آشکار امپریالیسم آمریکا در سراسر کره زمین یک تصادف است؟ آیا هنوز قبول کنیم که به دلیل نفوذ روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ است، که CIA، FBI، همه رسانه ها، کنگره ایالات متحده، فدرال رزرو، دموکرات ها و نیمی از جمهوری خواهان تا سرحد استیضاح او پیش رفتند"

سال ۲۰۲۰ سال بسیار مهم در تاریخ امریکا و جهان خواهد بود هرگاه ترامپ برنده انتخابات شود و زنده بماند جهان بین سالهای ۲۰۲۰ و ۲۰۲۴ به شدت تغییر خواهد کرد. "ترامپ و پوتین که باور دارند «یا اکنون یا هرگز» باید با هم تلاش کنند تا ناتو، سرمایه مالی و اتحادیه اروپا، به جنگ بی پایان علیه تروریسم، پروژه گرم شدن کره زمین و به کار زار مبتکران و حامیان این دروغ ها خاتمه دهند.

ترامپ تصمیم دارد تا باتلاق سیا و پنتاگون را خشک و فدرال رزرو را ملی کند. قدرت سیستم بانکی خصوصی را بشکند تا دومینوی بانک ها سقوط کند. با انجام این کارهاست که صلح و رفاه می تواند به کره زمین برگرد، دنیای که دیگر مالیات ما خرچ ماجراجویی های نظامیان و صاحبان صنایع نظامی ارتش های تجاوزگر و اسباب بازی های گران قیمت آنها یا پرداخت سود وام هایی بانک ها نشده بلکه در خدمت توسعه کشورها و بهبود وضعیت زندگی انسانهای روی زمین قرار گیرد.



۱ - سوئیفت (SWIFT) "جامعه جهانی ارتباطات مالی بین بانکی " است. یک انجمن تعاونی غیرانتفاعی است که در ماه مه ۱۹۷۳ میلادی توسط ۲۳۹ بانک از پانزده کشور اروپایی و آمریکای شمالی راه اندازی گردید و هدف از آن جایگزینی روشهای ارتباطی غیر استاندارد کاغذی و یا از طریق Telex در سطح بین المللی با یک روش استاندارد شده جهانی بود.

از منابع زیر استفاده شده است:

- ✚ <https://edition.cnn.com/specials/politics/president-donald-trump-45> (CNN)
- ✚ <https://www.nytimes.com/topic/person/donald-trump> (New York Times)
- ✚ <https://orientalreview.org/>

